عرضهٔ حدیث بر قرآن

مجتبی الهیان*
حامد پوررستمی**

چکیده: در متون حدیثی، به روایاتی برخورد می‌کنیم که پذیرش و یا ردّ روایات را منوه به عرضه آنها بر قرآن و سنت دانسته‌اند و ضابطه و معیار کلی را توافق یا مخالفت با قرآن و سنت شمرده‌اند علت اصلی این امر زیاد شدن نسبت کذب و افترا، بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام است و به همین دلیل عرضه روایات بر قرآن و سنت به لحاظ علمی و عملی مورد توجه بزرگان امامیه. به جهت تثبیت صدور حدیث از معصوم و نه تصحیح کلام معصوم علیه السلام بوده است. چرا که تناقض و تنافر میان قرآن و کلام معصوم وجود ندارد. دیدگاه شیخ انصاری در روایات عرض در دو قسم! ۱. مخالف با قرآن ۲. نداشتن شاهدی در قرآن و سنت بررسی شده است.
روایاتی که موافقت ظاهری با قرآن ندارند ولی مخالفت و تضادی نیز با

*. استادیار دانشگاه تهران.
**. دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث، عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1388.6.23.7.1]

آیات قرآن و سنت ندارند از معیار کلی پذیرش و ردّ خارج و به عنوان استثنائات عرض شامل: روایات ناظر به قرآن، روایات غیر ناظر به قرآن روایات مخالف با ظاهر قرآن (تقیه، نسخ) بررسی شده‌اند با توجه به حجیت ظاهر قرآن، اشکالات و شبهه‌هایی در ارتباط با روایات عرض مطرح و پاسخ داده شده است.
کلید واژه: عرضه حدیث بر قرآن / عرضه حدیث بر سنت / پذیرش حدیث / ردّ حدیث / روایات عرض / روایات عرض ـ نقد و بررسی.

تأملی در روایات عرض و ارتباط آن با حجیت ظواهر قرآن

در جوامع حدیثی گروهی از روایات برخورد می‌کنیم که ما را به عرضه روایات به کتاب و سنت ملزم می‌نمایند. مضمون کلی این روایات آن است که در صورت توافق احادیث با کتاب و سنت آنها را بپذیریم و در صورت مخالفت، آنها را کنار نهیم. در واقع این روایات، ضابطه کلی و معیار روشنی را پیشاروی اصحاب قرار داد تا به صحت و سقم روایات وارده پی ببرند.

سبب صدور و هدف از آن

حکمت وضع این معیار را می‌توان در کلام نبوی صلی الله علیه و آله جستجو نمود، آنجا که حضرت احساس می‌کند دروغ و افترا نسبت به حضرتش فزونی یافته و در این وضعیت می‌فرماید:

سَیکذب علیّ کاذب کما کذب علی من کان قبلی. فما جاءکم عنّی من حدیث وافق کتاب الله، فهو حدیثی و ما خالف کتاب الله فلیس من حدیثی؛

دروغگو بر من دروغ خواهد بست، چنانکه قبل از من نیز چنین بود. پس آنچه را که از جانب من به شما رسید، اگر موافق با کتاب خدا بود، سخن من است و اگر مخالف با کتاب خدا بود، مطمئناً سخن من نیست. (۴: ص ۴۴)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1388.6.23.7.1]

امیر مؤمنان علی علیه‌السلام نیز می‌فرماید:

و لقد کذب علی رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله علی عهده، حتی قام خطیباً فقال: «من کذب علی متعمداً فلیتبوّأ مقعده من النار» (۶: خطبه ۲۱۰)

آنقدر نسبت کذب و افتراء بر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله زیاد شده بود که پیامبر ناچار شد این مسئله را مورد تأکید و تصریح قرار دهد.

از این رو وضع این معیار و ضابطه ضروری به نظر می‌رسید، بخصوص آنکه بعد از رحلت نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله با گسترش قلمرو اسلامی از یک سو و پیدایش فرق باطله مانند غلات از سوی دیگر، نیاز به این ضابطه مضاعف می‌شد، بطوریکه ائمه علیهم‌السلام این موضوع را به طور عملی و کاربردی مورد توجه قرار می‌دادند. به عنوان مثال وقتی شخصی به نام ابوقره روایاتی را مبنی بر امکان رویت خداوند نزد امام رضا علیه‌السلام نقل می‌کند، حضرت با آیاتی چون **«لاتدرکه الابصار»** (انعام (۶) / ۱۰۳) و **«یس کمثله شیء»** (شوری (۴۲) / ۱۱) سخن او را رد می‌کند. (۱۷: ج ۱، ص ۹۵)

موضوع عرضهٔ روایات بر قرآن و سنت، از حیث علمی و عملی مورد توجه و اهتمام بزرگان امامیه همچون شیخ کلینی و شیخ طوسی نیز بوده است.

شیخ کلینی در مقدمهٔ کتاب خود، عرضهٔ روایات بر قرآن را یکی از مهمترین ضوابط در مرجّحات حدیثی ذکر کرده که می‌تواند در ارزیابی صحّت روایات نقش مؤثری ایفا نماید. وی همچنین در کتاب خود بابی تحت عنوان «الاخذ بالسنة و شواهد الکتاب» آورده و بخشی از روایات عرض را آنجا روایت کرده است. (۱۷: ج ۱، ص ۶۹)

شیخ طوسی نیز روایات عرض را راهکاری مفید برای حجّیت بخشی به اخبار آحاد دانسته و موافقت احادیث با قرآن را قرینه‌ای می‌داند که موجبات عمل به احادیث را فراهم می‌کند.

اعلم ان الاخبار علی ضربین: متواتر و غیرمتواتر... و ما لیس بمتواتر علی

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1388.6.23.7.1]

ضربین: فضرب منه یوجب العلم ایضاً، و هو کل خبر تقترن الیه قرینة توجب العلم. و ما یجری هذا المجری یجب ایضاً العمل به و هو لاحق بالقسم الاول. و القرائن اشیاء کثیرة: منها: ان تکون مطابقة لادلة العقل و مقتضاه، و منها: ان تکون مطابقة لظاهر القرآن و... فانّ جمیع هذه القرائن تخرج الخبر من حیز الاحاد، و تدخله فی باب المعلوم و توجب العمل به» (۱۲: ج ۱، ص ۳)

عرضه روایات بر قرآن به جهت تثبیت صدور حدیث از معصوم علیه السلام می‌باشد نه برای تصحیح کلام معصوم علیه السلام چرا که خداوند متعال، کلام معصوم علیه السلام را نوعی وحی بیانی دانسته که عاری از خطا و سهو می‌باشد و درباره رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: **«ما ینطق عن الهوی ان هو الا وحی یوحی.»** (نجم (۵۲) / ۳) امام رضا علیه السلام نیز در حدیث بلندی تأکید می‌فرماید که پیامبر صلی الله علیه و آله هرگز مخالف قرآن سخن نگفته و حرامی از آن را حلال و حلال آن را حرام نمی‌کند و در این راستا به آیه **«ان اتّبع الا ما یوحی الیّ»** استشهاد می‌نماید. (۳: ج ۲۷، ص ۱۱۳، ح ۳۳۳۵۴)

به عبارت دیگر، قلب معصوم علیه السلام ظرف مشیّت و اراده الهی است به طوری که چیزی را اراده نمی‌کند مگر آنکه خداوند متعال آنرا اراده نماید. امام عصر علیه السلام می‌فرماید: **«قلوبنا اوعیة لمشیّة الله فاذا شاء شئنا.»** (۱۸: ج ۵۲، ص ۵۱)

از این‌رو هدف از عرضهٔ روایات بر قرآن، آن است که ما به صدور حدیث از معصوم علیه السلام اطمینان یابیم و اگر حدیثی را مخالف قرآن یافتیم حکم به عدم صدور آن از معصوم بنماییم، چرا که تناقض و تنافر میان قرآن و قول معصوم علیه السلام وجود ندارد، نه آنکه در مواردی احتمال سهو، خطا و یا نسیان را بر ائمه علیهم السلام جایز بدانیم و یا در مقام تصحیح کلام معصوم علیه السلام برآییم. علاوه بر این خاطرنشان می‌شود که برخی کلام معصوم علیه السلام را هم سطح و هم‌تراز با آیات قرآن ارزیابی نموده و هیچگونه ترجیح و برتری بر آیات قرآن نسبت به قول قطعی صدور معصوم علیه السلام قائل نیستند،

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1388.6.23.7.1]

زیرا با توجه به روایات مأثوره دلیلی برای برتری کلام الله صامت (قرآن) از کلام‌الله ناطق (امام معصوم) نمی‌بینند، بلکه هر دو را تجلّی ارادهٔ باری تعالی می‌دانند.

اقسام روایات عرض:

روایات عرض را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم نمود:

۱ـ روایاتی که ما را از پذیرش و عمل به احادیث مخالف و منافر با قرآن بازمی‌دارد مانند «**ما خالف کتاب الله رد الی کتاب الله.**» (۸: ج ۳، ص ۴۹۶)

یا «**ان علی کل حق حقیقة و علی کل صوب نورا. فما وافق کتاب الله فخذوه و ما خالف کتاب الله فدعوه.**» (۱۷: ج ۱، ص ۶۹)

۲ـ روایاتی که ما را از پذیرش و عمل به احادیثی نهی می‌کند که موافق با قرآن نباشد و یا شاهدی برای آن در قرآن یافت نشود. مانند «**ما اتاکم عنّا من حدیث لایصدّقه کتاب الله فهو باطل.**» (۲: ج ۱، ص ۲۲۱؛ ۱۴: ج ۱، ص ۹) یا «**لاتقبلوا علینا حدیثاً الّا ما وافق الکتاب و السنة او تجدون معه شاهداً من احادیثنا المتقدمة.**» (۱۶: ج ۲، ص ۴۸۹)

گروه اول از روایات، ما را از احادیثی بازمی‌دارد که تنها مخالف و مغایر با آیات کریمه باشند و نسبت به احادیثی که مضمون آن در قرآن نیامده و یا شاهدی برای موافقت یافت نشود، سکوت کرده است.

اما گروه دوم از روایات، ما را ملزم به پذیرش روایاتی می‌کند که تنها موافق با قرآن بوده و یا شواهدی از آن برای این موافقت گواهی دهند.

شیخ انصاری نیز در بحث روایات عرض این روایات را به دو گروه تقسیم می‌کند:

الف) ما دل علی طرح الخبر المخالف القرآن.

ب) ما دل علی طرح ما لا شاهد علیه من الکتاب و السنة.

دامنهٔ پذیرش احادیث گروه اول را وسیع‌تر از گروه دوم می‌داند. (۱: ج ۱، ص ۱۶۲)

شهید صدر نیز ضمن توسعه تقسیمات، آنها را به سه گروه تقسیم‌بندی نموده

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1388.6.23.7.1]

است:

۱ـ گروهی از روایات که صدور روایت مخالف کتاب را از معصوم علیه السلام منتفی می‌داند مانند:

«کل حدیث مردود الی الکتاب و السنة و کلی شیء لایوافق الکتاب فهو زخرف.»

۲ـ گروهی از روایات که شرط عمل به حدیث را موافقت با کتاب و کشف شاهدی بر آن می‌دانند مانند:

«اذا ورد علیکم حدیث فوجدتم له شاهداً من کتاب الله او من قول رسول الله صلی الله علیه و آله و الا فالذی جاءکم به اولی به.»

۳ـ گروهی از روایات که حجیت هر حدیث مخالف کتاب را منتفی می‌داند. مانند:

«ان علی کل حق حقیقة و علی کل صواب نوراً. فما وافق الکتاب فخذوه و ما خالف کتاب الله فدعوه.»

وی در ادامه به مناقشه و تحلیل در موارد فوق پرداخته است. (۷: ج ۷، ص ۳۱۵)

نویسنده مقاله ضمن آنکه روایات عرض را در دو گروه کلی ارزیابی می‌کند، (غیرمخالف با قرآن ـ موافق با قرآن) بر این باور است که روایات گروه دوم (موافقت با کتاب و کشف شاهدی بر آن) نیز به روایات گروه اول (عدم مخالفت با کتاب) برمی‌گردد. به عبارت دیگر وقتی بیان می‌گردد فلان روایت باید موافق با قرآن باشد مراد آن است که مخالفت با قرآن نداشته باشد، چنانچه ما نیز گاهی در محاورات خود از «عدم مخالفت» به «موافقت» تعبیر می‌کنیم. یعنی وقتی می‌گوییم فلان عمل موافق با موازین شرع باشد، مراد آن است که مغایرت و مخالفتی باآن نداشته باشد و در این راستا به اموری که اشاره‌ای به مخالفت آن نشده نیز عمل می‌کنیم، مانند امور مباح که ضمن موافقت با موازین شرعی، مخالفتی با آن ندارد. از این‌رو اگر ما بخواهیم ملاک موافقت ظاهری را درباره روایات مأثوره اعمال کنیم، ناگزیر باید

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1388.6.23.7.1]

حجم زیادی از روایات را کنار نهیم، چرا که آیه‌ای را موافق و مؤید آن روایات نمی‌یابیم.

قابل ذکر است که در جوامع حدیثی، روایات فراوانی به چشم می‌خورد که گرچه موافقت ظاهری با قرآن نداشته، اما مخالفت و تضادی نیز با آیات قرآن ندارند و بطور کلی خارج از ضابطه ارزیابی و عرض می‌باشند. در یک تقسیم‌بندی می‌توان آنها را تحت عنوان «استثنائات روایات عرض» چنین برشمرد:

الف) روایات ناظر به قرآن (غیرمخالف و غیرموافق)
- پیرامون قرآن (برون قرآنی)
- موضوعاتی قرآن (درون قرآنی)
  - روایات جری و تطبیق
  - روایات تخصیص
  - روایات تقیید
  - روایات ناظر به بطن قرآن
  - روایات مسکوت عنه

ب) روایات غیر ناظر به قرآن (غیرمخالف و غیرموافق)

ج) روایت مخالف با قرآن
- روایات تقیه
- روایت نسخ (در صورت قطعی الصدور بودن)

حال به شرح هریک از موارد فوق می‌پردازیم:

الف) روایات ناظر به قرآن

پیرامون قرآن (برون قرآنی)

در این حوزه به روایاتی برمی‌خوریم که در صورت عرضهٔ آنها به قرآن کریم، موضع قرآن را سکوت می‌یابیم. نه نمی‌توان شاهدی از قرآن بر آن روایات یافت و

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1388.6.23.7.1]

نه می‌توان حکم به مخالفت آنها با آیات کرد. اگر بخواهیم روایات عرض را به معنای موافقت ظاهری بگیریم، در این صورت نباید به این گونه روایات عمل کرد. روایات وارده در باب سور و آیات آغازین و پایانی، قرآات قرآنیه، کیفیت جمع‌آوری قرآن، کیفیت نزول آیات و بر پیامبرﷺ... را می‌توان از این قبیل دانست. از این‌رو برای پی بردن به صحّت این گونه روایات، باید از قرائن دیگری استفاده نمود.

موضوعات قرآن (درون قرآنی)

۱. **روایات جری و تطبیق**: آیات کریمه قرآن را می‌توان مانند چشمه‌ای زلال و پاک دانست که در بستر تاریخ و زمان جاری بوده و همانند یک آب راکد و ثابت نیست. یعنی مصادیق آیات شریفه را نمی‌توان تنها منحصر به یک برهه از تاریخ یا به یک امت و قوم دانست. امام باقرؑ از شخصی به نام عبدالرحیم در مورد آیه «**انما انت منذر لکل قوم هاد**» که پیامبرﷺ ذیل آن فرموده بود «منذر من و هادی علی است» می‌پرسد و می‌فرماید: امروز هادی کیست؟ عبدالرحیم پاسخ می‌دهد: امروز هادی شما هستید و این مقام به شما رسیده است. امامؑ فرمود: «**صدقت یا عبدالرحیم! ان القرآن حی لایموت و الآیة حیة لاتموت. فلوکانت الآیة اذا نزلت فی الاقوام ماتوا ماتت الآیة، اماتت القرآن. ولکن هی جاریة فی الباقین کما جرت فی الماضین... ان القرآن حی لایموت و انه یجری کما یجری اللیل و النهار و کما یجری الشمس و القمر. و یجری علی آخرنا کما یجری علی اوّلنا.**» (۱۴: ج ۲، ص ۲۰۳؛ ۱۸: ج ۳۵، ص ۴۰۳)

علامه طباطبایی نیز براین باور است که قرآن کریم از حیث انطباق بر مصادیقش و بیان حالش قابل توسعه است و آیه تنها اختصاص به مورد نزولش ندارد بلکه در هر موردی می‌تواند جاری باشد... (۱۰: ج ۳، ص ۷۸)

از این رو چه بسا ممکن است روایات ناظر به مورد و مصداقی باشد که غیر از مصداق آیه شریفه باشد. در این حالت نباید به علت عدم موافقت روایت با قرآن،

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1388.6.23.7.1]

روایت را کنار گذاشت، بلکه باید قانون جری و تطبیق را مورد توجه قرار داد.

۲. **روایات تخصیص**: در قرآن کریم عموماتی وجود دارد که بوسیله روایات تخصیص خورده‌اند. بدون تردید روایات تخصیص موافقت ظاهری با قرآن را همراه خود نخواهند داشت. از این‌رو نباید به این دلیل آنها را کنار گذاشت. به عنوان مثال آیه مبارکه «**و المطلقات یتربصن بانفسهن ثلاثة قروء**» (بقره (۲) / ۲۲۸) شامل تمام زنان طلاق داده شده می‌شود. ولی در سنت، آیه تخصیص خورده و تنها به زنانی اختصاص داده شده که با آنان همبستری صورت گرفته باشد وگرنه زنانی که چنین نباشند، عده هم نخواهند داشت. (۲۰: ج ۱، ص ۱۷۱)

۳. **روایات تقیید**: این دسته از روایات نیز مانند روایات تخصیص، فردی از افراد آیه را مورد نظر قرار می‌دهد و آیه را از حالت اطلاق بیرون می‌آورد. مانند آیه مبارکه «**و من یقتل مؤمناً متعمداً فجزاؤه جهنم خالداً فیها و غضب الله علیه و لعنه و اعدّ له عذاباً عظیماً.**» که حکم مطلق خلود در عذاب در آیه، برحسب روایات ماثوره، مخصوص موردی است که توبه نکرده و مقتول را به علت ایمانش کشته باشد. (۱۱: ج ۳، ص ۹۲)

۴. **روایات ناظر به بطن قرآن (تأویل)**: در جوامع حدیثی به احادیثی برخورد می‌کنیم که ناظر به بطن قرآن هستند. بدیهی است که ضابطه روایات عرض در اینجا چندان کارآیی ندارد، زیرا معمولاً این روایات با ظاهر آیات قرآن موافقت ندارند. فضیل‌بن یسار از امام باقر علیه السلام درباره روایت «**ما من القرآن آیة الا و لها ظهر و بطن.**» سؤال می‌کند و امام علیه السلام در پاسخ می‌فرماید: «**ظهره تنزیله و بطنه تأویله. منه ما قدمضی و منه ما لم یکن. یجری کما یجری الشمس و القمر...**» (۹: ص ۱۹۱)

به عنوان مثال معنای ظاهری آیه شریفه «**قل ارایتم ان اصبح ماءکم غوراً فمن یأتیکم بماء معین.**» (ملک (۶۷) / ۳۰) روشن است. در آن، خدای متعال نعمت حیاتی آب را به مردم گوشزد می‌کند و همگان را متوجه رحمت و قدرت بیکران خود می‌سازد. اما امام باقر علیه السلام در ذیل این آیه بیانی دارد که معانی باطنی و محتوای کلی

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1388.6.23.7.1]

آیه را روشن می‌سازد. امام می‌فرماید: *«اگر امام و پیشوای خودتان را از دست بدهید و به او دسترسی نداشته باشید چه خواهید کرد؟»* (۱۵: ج ۲، ص ۷۲۷)

واضح است که عرضه چنین روایاتی بر قرآن کریم، نتیجه مطلوبی نخواهد داشت. البته عدم موافقت آنها با قرآن نباید سبب وانهادن آنها شود، بلکه برای پی بردن به صحّت این گونه روایت باید به سراغ قرائن دیگر رفت.

۵. روایات تفسیری مسکوت عنه: بخشی از روایات تفسیری خارج از ضابطه عرض و غیرقابل ارزیابی است، بطوری که آیات قرآن کریم نه موافق با آنها است و نه مخالف. موضع قرآن کریم نسبت به این دسته از آیات نیز سکوت خواهد بود.

به عنوان مثال، پیامبرﷺ مراد از استطاعت در آیه شریفه «**و لله علی الناس حج البیت من استطاع الیه سبیلاً**» (آل عمران (۳) / ۹۷) را توشهٔ راه و مرکب سواری دانسته است. (۵: ج ۴، ص ۲۱۸) ظاهر قرآن کریم پیرامون این گونه روایات تفسیری نمی‌تواند موضع نفی و تثبیت داشته باشد. گرچه بخش دیگری از روایات تفسیری را می‌توان به علّت مخالفت با آیات قرآن کنار گذاشت و ضابطهٔ عرض درباره آنها قابل اجرا است.

ب) روایات غیرناظر به قرآن

در جوامع حدیثی روایاتی می‌بینیم که ارتباط آنها با آیات قرآن کریم محسوس و ملموس نیست و حداقل می‌توان ارتباط آنها را با قرآن غیرمستقیم ارزیابی نمود. بخشی از این روایات غیرمخالف و موافق با قرآن است که خارج از بحث ما است، اما بخشی غیرمخالف و غیرموافق با قرآن بوده و فراتر از ضابطه عرض می‌باشند و نمی‌توان عدم موافقت را حمل بر عدم صدور روایات از معصومعلیهم‌السلام نمود، مانند روایت «**ان الله دحا الارض من تحت الکعبة الی منیٰ، ثم دحاها من منیٰ الی عرفات، ثم دحاها من عرفات الی منی. فالارض من عرفات و عرفات من منی و منی من الکعبه.**» (۱۷: ج ۴، ص ۱۸۹) و یا روایت «**سید الطعام اللحم**» (۱۷: ج ۶، ص ۳۰۸) که در صورت عرضه به

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1388.6.23.7.1]

آیات قرآن، موافقتی را نمی‌توان یافت، گرچه مخالفتی نیز مشاهده نمی‌شود.

ج) روایات مخالف با قرآن

باید توجه داشت که در مواردی روایات مخالف با قرآن را نباید بطور کامل کنار نهاد و حکم به عدم صدور آن از معصوم نمود. بلکه ممکن است مشمول روایات تقیه و روایات نسخ باشند.

در اینگونه موارد نه تنها موافقتی با آیات قرآن مشاهده نمی‌گردد، بلکه مخالفت ظاهری روایات با قرآن محسوس و روشن است.

۱. **روایات تقیّه**: تقیّه را سخن و عملی برخلاف معتقدات درونی با هدف دفع ضرر جانی و مالی و... تعریف نموده‌اند. (۲۲:ص ۴۹) و آیه شریفه «**من کفر بالله من بعد ایمانه الّا من اکراه و قلبه مطمئن بالایمان و لکن من شرح بالکفر صدراً فعلیهم غضب من الله و لهم عذاب عظیم.**» (نحل (۱۶) / ۱۰۶) را درباره جواز تقیّه و در خصوص شکنجه و آزار عمّار یاسر دانسته‌اند. با نزول این آیه، خداوند تقیه عمار یاسر را ـ که جهت حفظ جان خود کلمه کفر بر زبان جاری کرده بود ـ به رسمیت شناخت و رسول خدا در مقام تفقد از وی فرمود: *«اگر کفار به سوی تو بازآمدند، تو نیز هم‌عقیدهٔ آنان شو. خداوند در مورد تو آیه‌ای نازل کرده است و در آن به تو فرمان می‌دهد که اگر کفار به سوی تو آمدند، تو نیز در ظاهر به سوی آنان رو و هم‌عقیده با آنان شو!»* (۱۹:ص ۲۲۶)

از این‌رو در برخی موارد ممکن است روایتی را خلاف آیات قرآن و سنت نبوی بیابیم، چنان‌که امام رضا علیه‌السلام به این مسئله اشاره نموده و فرموده است که سخنان ما مطابق با کلام نبوی است، مگر به علت خوف ضروری که گاهی اوقات حادث می‌شود «**لانّا لا نرخّص فیما لم یرخص فیه رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله و لا نامر بخلاف ما امر به رسول الله الا لعلّة خوف ضرورة...**» (۳: ج ۲۷، ص ۱۱۳، ح ۳۳۳۵۴)

شیخ طوسی در کتاب استبصار، روایت ۱۸۷ از قول زراره آورده است: به ابوجعفر (امام باقر علیه‌السلام) گفتم: عده‌ای معتقدند که گوش‌ها جزء صورت می‌باشد. اما

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1388.6.23.7.1]

پشت آن مربوط به سر است. امام پاسخ داد: اما در وضو گوش‌ها شستن و مسح کردن ندارند. پس از آن در روایت ۱۸۸ می‌نویسد: حسین‌بن سعید از یونس از علی‌بن رئاب نقل می‌کند که او گفت: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا دو گوش جزء سر است؟ فرمود: آری. گفتم: آیا هنگام مسح سر گوش را هم باید مسح کنم؟ امام فرمود: آری.

شیخ طوسی آن‌گاه متذکر می‌شود که این خبر محمول بر تقیه است، زیرا با مذهب و فتوای اهل سنت موافقت دارد. ضمناً مفاد حدیث با قرآن نیز در تعارض است. چنانکه این مطلب را کتاب تهذیب الاحکام بیان نموده‌ایم. (۱۲: ج ۱، ص ۳۳۱)

بزرگانی چون آیة الله بروجردی به این باور بود که فقه شیعه باید در کنار فقه اهل سنت مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد چرا که فضای صدور روایات، غالباً فضای تقیه و ارعاب بود.

۲. **روایات نسخ**: نسخ یعنی برداشته شدن حکم سابق ـ که به ظاهر همیشگی بوده ـ بوسیلهٔ تشریع لاحق، بطوریکه امکان جمع بین دو حکم نبوده و تنافی بیان آنها روشن باشد. (۲۱: ص ۴۱۲)

گرچه طبق قول مشهور، اخبار آحاد نمی‌توانند به عنوان ناسخ آیات شریفه عمل نمایند، اما خبر متواتر و قطعی الصدور می‌تواند حکم قرآن را نسخ نماید. از این‌رو بطور قدر متیقن، نسخ احکام آیات شریفه قرآن بوسیله آیات و روایات قطعی‌الصدور میّسر است. امیر مؤمنان علی علیه السلام یکی از روابط میان قرآن و حدیث را چنین برشمرده است: «**بین مثبت فی الکتاب فرضه و معلوم فی السنة نسخه و واجب فی السنة اخذه و مرخّص فی الکتاب ترکه.**» (۶: خطبه ۱) یعنی: چه *بسا که حکمی در قرآن ثابت شده اما در سنت نسخ آن حکم تصریح شده باشد.* بنابراین روایات ناسخ، مخالف آیات منسوخ قرآن قلمداد می‌شوند و در صورت عرضه اینگونه روایات به قرآن، ضابطهٔ عرض، حکم به کنار نهادن آنها می‌کند. اما یک محقق باید به این مسئله توجه وافر

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1388.6.23.7.1]

داشته باشد که این روایت در مقام نسخ حکم فلان آیه بوده و عمل به روایت، نه تنها جایز بلکه لازم و ضروری است.

ارتباط روایات عرض با حجیت ظواهر قرآن

دیدیم که قاعدهٔ عرضه روایات بر قرآن کریم، قاعده‌ای فراگیر و مطلق برای پی بردن به صحت روایات نیست و در مواردی ظاهر قرآن کریم به تنهایی نمی‌تواند به عنوان ملاک و معیار تثبیت صدور حدیث از معصوم علیه السلام نقش ایفا نماید. اما طرح این قاعده از جانب معصومین علیهم السلام یک نتیجه عمومی و پیامی فراگیر در بر دارد و آن امکان فهم ظاهر آیات قرآن و حجیت آنها برای عمل است، چرا که اساساً عرضه روایات بر قرآن، زمانی معنا می‌یابد که بتوان معانی و مفاهیم آیات را فهمید و سپس در مقام داوری و قضاوت برآمد، وگرنه بدون فهم آیات چگونه می‌توان آن را معیار و شاخص قرار داد؟ در واقع موضع قرآن ـ حتی اگر مخالف روایات و یا مسکوت عنه هم باشد ـ باز هم دلالت بر حجیت ظواهر قرآن می‌کند.

در اینجا دو اشکال مطرح می‌شود:

اشکال اول: عرضهٔ روایات بر قرآن در بحث تعارضات حدیثی است نه غیر آن. در پاسخ گفته می‌شود که بررسی روایات عرض در جوامع حدیثی، حکایت از آن دارد که این ضابطه تنها درباره احادیث متعارض مطرح نشده است و غیر آن را نیز شامل می‌شود. به عنوان مثال در موارد زیر، سخنی از تعارضات حدیثی به میان نیامده و هیچ دلالتی هم بر آن نیست. «**ما اتاکم عنّا من حدیث لایصدّقه کتاب الله فهو باطل.**» (۲: ج ۱، ص ۲۲۱؛ ۱۴: ج ۱، ص ۹) این حدیث دلالت بر آن دارد که هر حدیثی که مخالف با قرآن باشد، از معصوم علیه السلام صادر نشده و باطل است مثال دیگر آن که عبدالله‌بن عمر همسر خود را که حائض بود در یک مجلس سه طلاقه کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله عمل او را رد کرده و فرمود «**ما خالف کتاب الله رد الی کتاب الله.**» (۸: ج ۳، ص ۴۹۶)

از سوی دیگر تأملی در علت صدور این گونه احادیث، اساساً اشکال وارده را رد

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1388.6.23.7.1]

می‌کند، چرا که وقتی پیامبرﷺ دید که کسانی در صدد دروغ و افترا بـر حـضرت برآمده‌اند، معیار و ضابطه‌ای وضع نمود تا بدان وسیله بتوان حـدیث صـحیح از غیرصحیح راتشخیص داد و فرمود «**سیکذب علی کاذب کما کذب علی من کان قبلی فما جاءکم عنّی من حدیث وافق کتاب الله فهو حدیثی و ما خالف کتاب الله فلیس من حدیثی.**» (۴: ص ۴۴)

همانطور که ملاحظه می‌گردد در این روایات اشاره‌ای به بحث تعارضات نشده است. علاوه بر آن، به فرض پذیرش اشکال فوق باز هم خللی در بحث حـجیت ظاهر قرآن پیش نمی‌آید، چرا که در باب تعارضات نیز ما نیازمند آنیم که آیات قرآن را فهمیده و به آن عمل کنیم. به عبارت دیگر برای آنکه دانسته شود کدام یک از دو روایت مخالف با قرآن است، ناگزیر باید آیات را فهمید و سپس روایت مخالف با قرآن را کنار گذاشت.

نگارنده مقاله بر این باور است که اساساً قاعده و ضابطهٔ عرض، معیاری برای تثبیت صدور حدیث از معصومعليه‌السلام است. هـمانطور کـه گـذشت، سـبب صـدور روایات عرض نیز دلالت بر آن دارد که شاخصی برای تشـخیص روایت صـحیح وضع شده باشد و طرح روایات عرض بعنوان مرجّح در باب تعارضات موضوعی است که بعد از عصر نبویﷺ شکل گرفت و در واقع یکی از فروعات قاعده عرض است. بلکه تنها می‌توان گفت یکی از کاربردهای مهم قاعده عرض آن است که به عنوان مرجّح در باب تعارضات حدیثی نقش ایفا می‌کند، چنانچه این موضوع در کلام معصومین و مباحث اصولی علمای امامیه به چشم می‌خورد. (۳: ج ۲۷، ص ۱۱۸؛ ۱۳: ص ۳۲۶ـ۳۲۷)

اشکال دوم: گفته می‌شود که فهم روایات با شاخص قرآن و از سوی دیگر فهم قرآن با روایات مستلزم دَوْر است و چنین چیزی امکان ندارد. پاسخ آنکه اسـاساً طرح این مسئله اشتباه است چون در بخش اول که گـفته شـده «فـهم روایـات بـا

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1388.6.23.7.1]

شاخص قرآن»، کسی چنین چیزی را ادعا نکرده، بلکه قرآن کریم معیاری برای ارزیابی صحت روایات است و ارزیابی صحت روایات، غیر از فهم و تفسیر آن است. علاوه بر این در بحث ارزیابی روایات با قرآن نیز گذشت که این ضابطه کلی و مطابق نیست. در بخش دوم هم که آمده است «فهم قرآن با روایات» مناقشاتی چند وارد است:

۱. بین معنای ظواهر آیات قرآن و تفسیر و تبیین آنها تفاوت است و روایات، مبیّن آیات هستند نه آنکه درک و فهم معنای ظاهری آیات منوط به روایات باشد.

۲. تنها روایات، مبیّن و مفسّر آیات نیستند، بلکه خود قرآن هم مفسّر آیات خود است، چنانکه در نهج البلاغه درباره قرآن آمده «**مفسراً مجمله و مبینا غوامضه**». (۶: خطبه ۱)

از سوی دیگر ثابت شد موضع قرآن نسبت به روایات سه‌گونه است: ۱ـ مخالف با قرآن ۲ـ غیرمخالف با قرآن ۳ـ مسکوت عنه. در تمامی موارد فوق، امکان فهم و درک ظواهر آیات وجود دارد. و اینکه ما به یکی از نتایج سه‌گانه می‌رسیم، دلالت بر آن دارد که ظواهر قرآن حجیت دارد. از این‌رو اشکال فوق سالبه به انتفای موضوع است.

خاطرنشان می‌شود تأمل در علت صدور روایات عرض و کاربرد آن در باب تعارضات، روشن می‌سازد که فهم ظواهر آیات قرآن میسّر بوده و از حجّیت برخوردار است.

جمع‌بندی و نتیجه

۱. احادیث عرض، از جمله احادیثی هستند که در جوامع حدیثی شیعه و سنی آمده و مورد اتفاق علمای اسلام هستند.

۲. مسأله عرضه روایات بر قرآن، نخستین بار، از جانب پیامبرﷺ مطرح گشته و علت آن افزایش کذابین و وضّاعین حدیث در جامعه نبوی است. و هدف از آن

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1388.6.23.7.1]

ارزیابی و تشخیص روایات صحیح از سقیم بوده است، بطوریکه بعدها در بحث مرجّحات حدیثی در باب تعارضات نیز به کارگرفته شد.

۳. آنچه در ضابطه عرض معیار است، مخالفت با ظاهر، نصّ و روح حاکم قرآن است بطوریکه به صورت تباین کلی باشد و عدم موافقت با قرآن را نمی‌توان دالّ بر عدم صدور دانست، مانند روایت تخصیص، تقیید، جری و تطبیق و موارد مسکوت عنه.

۴. روایات نسخ و تقیّه، گرچه ممکن است مخالف با ظاهر آیات باشد، ولی الزاماً دلالت بر عدم صدور روایات نمی‌کند.

۵. تأمّل در علت صدور روایات عرض و کاربرد آن در باب تعارضات، موضوع حجیت ظواهر قرآن را روشن می‌سازد.

فهرست منابع

۱. انصاری، مرتضی. **فرائد الاصول**. بیروت: دار الاعتصام.

۲. برقی، احمدبن محمد. **محاسن**. تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۷۱ ق.

۳. حرّ عاملی، محمّدبن حسن. **وسائل الشیعة**. قم: آل البیت، ۱۴۰۹ ق.

۴. حمیری، عبدالله‌بن جعفر. **قرب الاسناد**. تهران: نینوی.

۵. سیوطی، جلال‌الدین. **الاتقان**.

۶. شریف رضی. **نهج البلاغه**.

۷. صدر، سید محمدباقر. **بحوث فی علم الاصول**. قم: دائرة معارف الفقه الاسلامی، ۱۴۱۷ ق.

۸. صدوق، محمّدبن علی. **من لا یحضره الفقیه**. قم: اسلامی، ۱۴۱۳ ق.

۹. صفار، محمدبن حسن. **بصائر الدرجات**. قم: مکتبة المرعشی، ۱۴۰۴ ق.

۱۰. طباطبایی، سید محمّدحسین. **المیزان**. قم: اسلامی.

۱۱. طبرسی، ابوعلی. **مجمع البیان**. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۹ ق.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1388.6.23.7.1]

۱۲. طوسی، محمدبن حسن. **الاستبصار**. تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۹۰ ق.
۱۳. طوسی، محمدبن حسن. **عدة الاصول**.
۱۴. عیاشی، . **تفسیر**. قم: علمیة، ۱۳۸۰ ق.
۱۵. فیض کاشانی، محسن. **تفسیر صافی**. تهران: اسلامیة.
۱۶. کشی، ابوعمرو. **اختیار معرفة الرجال**. مشهد: دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸ ش.
۱۷. کلینی، محمّدبن یعقوب. **کافی**. تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۶۵ ش.
۱۸. مجلسی، محمّدباقر. **بحارالانوار**. تهران: اسلامیة.
۱۹. معارف، مجید. **پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه**. تهران: ضریح، ۱۳۷۶ ش.
۲۰. معرفت، محمدهادی. **تفسیر و مفسّران**. قم: التمهید، ۱۳۷۹ ش.
۲۱. ــــــــــ. **تلخیص التمهید**. قم: اسلامی.
۲۲. مغنیه، محمد جواد. **الشیعة و التشیّع**. بیروت: دارالجواد، ۱۴۰۹ ق.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1388.6.23.7.1]